

نشریه علمی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۹۸

Scientific Journal of *Ayeneh Ma'refat*
Shahid Beheshti University
کد مقاله: ۲۸۶۱۹
صفحات: ۸۳-۱۱۰

مبانی و اصول انسان‌شناختی اسلامی و دلالت‌های آن در سبک زندگی خانوادگی

زری پیشگر*

مرتضی سمنون مهدوی**

سیدمحمد اسماعیل سیدهاشمی***

چکیده

سبک زندگی در صورت‌بندی ابتدایی را می‌توان مجموعه‌ای از شیوه‌های رفتاری یا انتخاب‌های الگومند تلقی کرد که افراد در صدند از طریق آنها تمایزات و تشابهات هویتی خویش را ابراز کنند. نوع نگاه انسان به جهان، خدا، خود و آغاز و پایان زندگی، همچنین نوع ارزش‌های پذیرفته شده، تأثیری مستقیم بر انتخاب‌ها و گزینش‌های فرد در شیوه و سبک زندگی دارد. با توجه به موقعیت بحرانی خانواده در عصر حاضر این نیاز احساس می‌شود که به معرفی سبک زندگی اسلامی بپردازیم. در خصوص سبک زندگی از نگاه اسلام آثار متعددی موجود است لیکن در زمینه مبانی و اصول تأثیرگذار اسلامی در سبک زندگی خانوادگی بحث جدی انجام نشده است. از این رو ما در این نوشتار به بررسی مبانی و اصول انسان‌شناختی در سبک زندگی خانوادگی پرداخته‌ایم. روش ما در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از متون تفسیری و روایی بهره گرفته‌ایم و نشان داده‌ایم که با توجه به مبانی انسان‌شناختی اسلامی سبک زندگی خانوادگی از نظر اسلام تفاوت‌های زیادی با سبک‌های زندگی مبتنی بر تفکر غیردینی و اوما نیستی دارد.

کلیدواژه‌ها: مبانی انسان‌شناختی اسلامی، اصول انسان‌شناختی اسلامی، سبک، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی.

zppishgar90@gmail.com
m-semnoon@sbu.ac.ir
m-hashemy@sbu.ac.ir

* دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

*** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۹

مقدمه

شیوه و سبک زندگی انسان‌ها پیوندی عمیق و ناگسستنی با نوع دیدگاه و نگرش آن‌ها به خود و جایگاه‌شان در عالم و نیز گرایش‌ها و ارزش‌های بنیادین آنها دارد، از این رو سبک زندگی انسان‌ها و جوامع حاکی از باورها، دیدگاه‌ها، روحیات و ارزش‌های ایشان است. با توجه به تفاوت و گاهی تعارض دیدگاه‌ها و باورها و ارزش‌های افراد یا جوامع با انواعی از سبک‌های زندگی روبه‌رو هستیم که در برخی موارد تمایزات اساسی با یکدیگر دارند. در این زمینه یکی از جامعه‌شناسان مشهور بریتانیایی معتقد است که "سبک زندگی افراد و جوامع، افزون بر این که بیانگر هویت شخصی و اجتماعی و معرف شخصیت فرد و جامعه‌ای خاص است، شاخص و نشانه‌ای از هویت دینی و ارزشی فرد و جامعه وی نیز به شمار می‌رود" (گیدنز، ۱۲۰، ۱۳۷۸). بدین ترتیب سبک زندگی اسلامی به دلیل باورها و ارزش‌های بنیادینش در ارتباط با هستی، انسان، زندگی و معنای واقعی آن، نوع خاصی از سبک زندگی را ارائه می‌دهد که تمایزات بنیادینی با سبک زندگی‌های معاصر از جمله سبک مبتنی بر اندیشه‌های اومانیستی و لیبرالیستی دارد.

از سوی دیگر، شیوه‌های رفتاری در تمام عرصه‌های خرد و کلان زندگی جریان دارد و می‌توان به تناسب این عرصه‌ها از ویژگی‌های خاص سبک زندگی در آن عرصه سخن به میان آورد. الگوها و شیوه‌های رفتاری در خانواده که یکی از عرصه‌های مهم زندگی است، سبک زندگی خانوادگی را می‌سازد. بنابر این با توجه به دیدگاه‌های ویژه اسلام نسبت به خانواده و تعریفی که از خانواده ارائه می‌دهد؛ و نیز تعیین عناصر اصلی و عوامل تحکیم خانواده، الگو و شیوه‌ای مخصوص برای رفتار در خانواده ارائه می‌دهد که از آن به سبک زندگی خانوادگی اسلامی تعبیر می‌کنیم. در عصر حاضر با پدید آمدن تحولات گسترده اجتماعی، خانواده در غرب درگیر بحران‌های عظیمی است. متأسفانه در کشور اسلامی ما نیز، خانواده از این ضربات زیان‌آور در امان نبوده است. لذا به منظور مصونیت هرچه بیشتر در مواجهه با این گونه‌ها نیاز به بررسی و پژوهش‌های هرچه بیشتر در این زمینه است. از این‌رو ضروری است که به ارائه مبانی و اصول سبک زندگی خانوادگی از منظر اسلام بپردازیم و این سبک را به عنوان سبکی که انسان در آن به کامل‌ترین وجه پرورش می‌یابد و ظرفیت‌های درونی‌اش به فعلیت می‌رسد، به جامعه امروزی معرفی کنیم. اگر چه موطن مفهوم سبک زندگی در غرب است لیکن صاحبان‌اندیشه در اسلام نیز از دیرباز به این مسئله توجه داشته‌اند چرا که دین و شریعت چیزی جز شیوه و سبک صحیح زندگی نیست. در سال‌های اخیر در جامعه ما نیز در سبک زندگی همچنین سبک زندگی

خانوادگی اسلامی کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده است، اما در زمینه مبانی و پیش فرض‌های اساسی این سبک زندگی کمتر بحث شده است. لذا این پژوهش درصدد است تا پاسخگوی این پرسش‌ها باشد که اولاً: سبک و شیوه زندگی خانوادگی در اسلام بر چه پایه و بنیان‌های اساسی استوار شده است؟ ثانیاً چنین شیوه زندگی از چه امتیازاتی بهره‌مند است که دیگر سبک‌ها و شیوه‌های امروزی فاقد آن امتیازات است؟ در همین راستا و با هدف معرفی این سبک، ابتدا به بیان مهم‌ترین مبانی و زیر ساخت‌های بینشی و معرفتی در انسان‌شناختی اسلامی پرداخته‌ایم، آن‌گاه تأثیرات و نتایج مستقیم این اندیشه‌ها را در روش و شیوه زندگی خانوادگی بیان کرده‌ایم و بدین‌گونه در نظر داشته‌ایم که سبک زندگی خانوادگی اسلامی که دارای امتیازات ویژه‌ای از دیگر سبک‌ها است معرفی کنیم.

مفهوم‌شناسی

مبانی: مبنا، به معنای بنیاد، شالوده و اساس است، پس مبانی به منزله زیرساخت و پایه مورد نظر است. در واقع مبانی در هر علمی به عنوان حقایقی ثابت شده است که بر اساس آنها مباحث دیگر آن علم بنا می‌شود (داودپور، ۱۳۹۰، ص ۴۹).

انسان‌شناسی: عبارت از بررسی اصل و تبار انسان، به همراه رشد مادی، اجتماعی، فرهنگی و رفتاری او در گذشته و حال است. ریشه این واژه نیز از لاتین جدید «انترپولوجیا» (Anthropologia) و در انگلیسی برگرفته شده از زبان یونانی (anthropos) به معنی «انسان» و (logos) به معنی «معرفت» یا «شناخت» است (حلبی، ۱۳۷۱، ص ۲۱).

سبک

«سبک» در واژه به معنای گداختن زر و سیم و مانند آن و در قالب ریختن آنهاست و «سبیکه» پاره زر یا سیم گداخته شده و قالب‌ریزی شده است (الفراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۸۷). در معنای لغوی سبک نوعی قالب بندی و الگوداری نهفته است که همین مفهوم در معانی اصطلاحی لحاظ شده است. مثلاً در ادبیات سبک به معنای روش خاص ادراک و بیان افکار از طریق ترکیب واژه‌ها و انتخاب الفاظ اطلاق شده و تعبیر سبک به یک اثر ادبی نیز وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنا القا می‌کند و آن نیز وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت

است، واژه سبک در برابر «استایل» در زبان لاتین نهاده شده و «استایل» در زبان‌های اروپایی از لغت «استیلوس» یونانی گرفته شده که به معنای «ستون» و «قاعده» است (بهار، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

سبک زندگی

"سبک زندگی" که معادل انگلیسی واژه «Life style» «Style of life» و «Style of living» ترجمه شده واژه‌ای است که در پنجاه سال اخیر در ادبیات غربی و سپس در ادبیات جهانی رواج یافته است. شاید «میشل سوبل» نخستین کسی باشد که گسترده‌ترین متن درباره تعریف «سبک زندگی» را در سال ۱۹۸۱ میلادی نوشته است. در رویکرد روان‌شناسانه که تأثیر یافته از آراء و اندیشه‌های «آلفرد آدلر» (۱۹۳۷-۱۸۷۰) است، اصطلاح سبک زندگی، جایگاهی مانند اصطلاح «شخصیت» «منش» و «هویت» دارد (فاضلی، ۱۳۸۳، ص ۷۹). تنها تفاوت میان سبک زندگی و شخصیت آن است که شخصیت منظومه‌ای است از داشته‌ها و ویژگی‌های یک فرد که بیشتر جنبه توصیفی دارند، حال آن که سبک زندگی ظهور و بروز داشته‌ها و همان ویژگی‌هاست. به بیان دیگر سبک زندگی همان شخصیت است که به مرحله عمل و رفتار رسیده است (کرن، ۱۳۸۹، ص ۳۶). در رویکرد جامعه‌شناختی این اصطلاح بیشتر جنبه توصیفی دارد. در این رویکرد توجه بیشتر به رفتار و نمودهای رفتاری است و بیشتر نقشی همچون "طبقه اجتماعی" یا "هویت اجتماعی" ایفا می‌کند (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۰).

سبک زندگی خانوادگی اسلامی

خانواده در اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار است. کانون اصلی پرورش انسان متعالی خانواده است. موقعیت ویژه خانواده در اسلام، سبک و شیوه خاصی از زندگی را اقتضا می‌کند. چارچوب کلی سبک زندگی خانوادگی اسلام مفروضات معرفتی و ارزشی هستند که حیات زندگی خانوادگی را تحقق می‌بخشند. مهم‌ترین اصول جاری در چنین سبکی نشأت گرفته از مبانی انسان‌شناختی توحیدی است. برخی از ویژگی‌های رفتاری در چنین سبکی که موجب جدایی آن از دیگر سبک‌های رایج می‌شود، عبارت‌اند از: گرایش به معنویات، خویش‌بانی، هدف‌مندی در زندگی، تلاش برای معیشت سالم و مسئولیت‌پذیری در خانواده. براساس رویکرد اسلامی می‌توان سبک زندگی را این‌گونه تعریف کرد: مجموعه‌ای از انتخاب‌های عقلانی در جهت عینیت یافتن اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که محتوای زندگی آدمی را تشکیل می‌دهند.

در مجموع چارچوب کلی سبک زندگی اسلامی مفروضات معرفتی و ارزشی هستند که حیات انسانی را تعیین می‌بخشند و به بیان دیگر آنها همان مبانی و اصول حاکم بر زندگی یک فرد مسلمان هستند که با ویژگی‌های مختص به خود سبک و شیوه‌ای ممتاز ایجاد می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۴۷).

دقت و تأمل در این رویکرد حاکی از آن است که سبک زندگی اسلامی با اموری مانند دین، باورها، اخلاقیات، نگرش‌ها ارتباط مستقیم دارد.

مبانی انسان‌شناختی اسلامی

انسان‌ها در مناطق مختلف هر یک به شیوه خاصی زندگی می‌کنند. گاهی بین این شیوه‌ها شباهت‌هایی موجود است لیکن وجود اختلاف در سبک و شیوه زندگی به عنوان اصلی حاکم امری انکارناپذیر است. سبک زندگی غربی به عنوان شیوه مبتنی براندیشه اومانیستی، با سبک زندگی اسلامی به عنوان شیوه زندگی توحیدی در بسیاری از موارد کاملاً متعارض است. از جمله ویژگی‌های مورد پذیرش در این سبک می‌توان به فردگرایی، نسبی‌گرایی، همجنس‌گرایی، گسترش روابط جنسی لذت‌گرا (به‌جای اخلاق‌گرا یا خانواده‌گرا) افزایش میزان هم‌خانگی را نام ببریم. حال آن‌که در سبک زندگی اسلامی این امور ناپسند تلقی می‌شود و بااندیشه و باورهای توحیدی کاملاً در تعارض است. علل و عوامل گوناگونی در تفاوت‌ها و تشابهات زندگی انسان‌ها دخالت دارند از جمله می‌توان به عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اقلیمی و وراثتی اشاره کرد. لیکن شاید بتوانیم منشأ اصلی این اختلافات و بعضاً تعارضات را ناشی از اختلاف در نوع اندیشه و نگرش انسان‌ها به خود، حقیقت آدمی و فلسفه وجودی این موجود بدانیم. از این‌رو ضروری است قبل از بیان سبک زندگی اسلامی به بیان برخی از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی اسلامی پردازیم.

انسان موجودی است دوبعدی

از نگاه اسلام، انسان موجودی دو بعدی، ترکیبی از جسم و روح است. انسانیت انسان و واقعیت او به روح او وابسته است؛ زیرا پس از مرگ، جسم او متلاشی می‌شود اما روح او به زندگی ادامه می‌دهد در این گونه نگرش مرگ انسان به معنای فنای او نیست و تا برپایی قیامت، در عالم برزخ، زنده خواهد بود. قرآن کریم در بیان مراتب آفرینش انسان از آخرین مرحله آن، با این جمله یاد می‌کند: «... ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (المؤمنون / ۱۴).

با بررسی این آیه شریفه در تفاسیر مختلف می‌توان به این نتیجه رسید، آیه در مقام بیان آخرین مرتبه خلقت یعنی تعلق روح به جسم آدمی بوده است و به دنبال این مرحله است که به موجودی شنوا، بینا و گویا تبدیل می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۵۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۶۷، زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۳، ۱۷۸ و ۲۶۵). همچنین در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، در روایتی از امام باقر (ع) نیز به این مطلب تصریح شده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۹۱). خداوند در آیات دیگر نیز با اشاره به این ساحت وجودی انسان، او را مرکب از جسم و روح معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص ۷۲-۷۱). در عالم ماده (دنیا) انسان ترکیبی از جسم و روح است با ترک این دنیا و وقوع مرگ روح از بدن جدا می‌شود. گرچه جسم و روح همتای یکدیگر نیستند و این مطلب را از نسبت دادن جسم انسان به گل و روح به خدا در ضمن آیات قرآن دریافت می‌شود. بدین ترتیب اصل وجودی انسان همان روح اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۶۰)، به نقل از محمدی، ۱۳۹۵، شماره ۱).

بنابر این از نگاه انسان‌شناسی اسلامی، انسان موجودی نیمه ملکوتی و نیمه مادی دارای فطرتی خدا آشنا امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان مسلط بر طبیعت، زمین و آسمان ملهم به خیر و شر است و وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود. و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد از شرافت و کرامت ذاتی، برخوردار است. کلیه اوصاف مذکور برای انسان در این نوع جهان بینی به سبب دارا بودن بعد روحی در این موجود است.

۲. فطرت و امیال فطری

انسان دارای تمایلات بنیادینی است که زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بسیاری از نمودهای زندگی بر این اساس استوار است. تمایلات در زندگی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و بدون آنها حرکت و تلاشی تحقق پیدا نمی‌کند. امیال در انسان دارای دو دسته اصلی است امیال غریزی و امیال انسانی یا فطری. میل به خوردن و آشامیدن، هیجان و میل شهوانی، تمایل به خواب و استراحت، عصبانیت و میل به سرکوبی دشمن، دوست داشتن خود و میل به محافظت از خود، میل به داشتن فرزند و دوست داشتن فرزند امیالی هستند که به اقتضای حیوانیت انسان پدید آمده است و از ویژگی‌های بعد مادی و جسمانی انسان شمرده می‌شود و در این تمایلات انسان با

حیوان مشترک است. اما میل به زیبایی، میل به کمال و میل به مطلق و بی‌نهایت، میل به مواجهه با عظمت و ستایش امیالی هستند ویژه انسان و از ویژگی‌های بعد روحی و ملکوتی انسان قلمداد می‌شوند. در این گونه تمایلات و گرایش‌ها ست که انسان به عنوان موجودی برتر از سایرین شمرده می‌شود. در تعالیم الهی به این گونه گرایش‌های انسانی، «فطرت»، تعبیر می‌شود.

«فطرت» خمیر مایه اصلی سازنده شخصیت انسان می‌باشد و نقش محوری در زندگی انسان برعهده دارد همان‌گونه که قرآن کریم در آیات مختلف به بیان «فطرت» پرداخته و با الفاظی همچون «حنیف» و «صبغة الهی» هویت الهی و فطری انسان را شناسانده است. خداوند در این باره، در سوره روم می‌فرماید: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها» پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را، بر آن سرشته است. علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌نویسد: دین، چیزی به غیر از سنت حیات و راه و روشی نیست، که بر انسان واجب است آن را در پیش گیرد، تا سعادت‌مند شود. پس، هیچ انسانی هیچ هدف و غایتی ندارد، مگر سعادت، هم‌چنان که تمامی مخلوقات، به سوی سعادت خود و آن هدفی که ایده‌آل آنهاست هدایت فطری شده‌اند و به گونه‌ای خلق شده‌اند، که با آن غایت و هدف مناسب است. بنابر این، انسان نیز مانند سایر مخلوقات آفریده شده بر فطرتی است، که او را به سوی تکمیل نواقص و رفع حوائجش هدایت کرده و به آن چه که برای او سودمند است و به آن چه که برایش ضرر دارد الهام کرده است. و او در این حال، به جهاز بدنی نیز مجهز است که با آن اعمال مورد حاجت خود را انجام دهد (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۲۸۳).

۳. خلافت الهی

یکی از مسائلی که در جریان آفرینش نخستین انسان، در آیات شریفه قرآن مطرح شده، خلیفه بودن انسان است. در آیه ۳۰ از سوره بقره چنین می‌فرماید: «و اذ قال ربك للملائكة اینی جاعل فی الارض خلیفه... (و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: "من در زمین جانشینی خواهم گماشت...")».

در اینکه انسان چه ویژگی‌هایی داشت که به مقام خلیفه الهی رسید؟ از حکیم ملاصدرا اقوال مختلفی نقل شده است. مثلاً در بیانی وی معتقد است که خداوند انسان را به تمام اسماء و صفات خود آراست تا قائم مقام او در تصرف امور باشد و با سپردن امور به دست او، به او مقام خلافت عطا نمود (شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸). وی معتقد است که از میان انسان‌ها تنها انسان کامل

است که موفق می‌شود اسماء و صفات باری تعالی را در خود به فعلیت برساند. در واقع مراد و مقصود آفرینش، انسان کامل است که متصف به خلیفه‌اللهی می‌شود. در جایی دیگر ملاصدرا برترین و بالاترین ویژگی در انسان که بدان شایستگی خلیفه‌اللهی رایافت، قوه و نیروی عقلی می‌داند. همچنین وی معتقد است که تنها موجودی که توانایی خودشناسی دارد تنها انسان است و چون می‌تواند به شناسایی خود نایل شود پس توانایی مدیریت و اداره وجود خویش را دارد و از آن‌رو که انسان به عنوان عالم اصغر است و خلاصه و چکیده‌ای از عالم اکبر، پس می‌تواند به اداره عالم اکبر نیز پردازد. و بدین ترتیب شایستگی و شانیت مقام خلیفه‌اللهی را یافت (همان، ص ۲۱۳). همچنین نشانه وجود مقام خلافت‌اللهی و خداگونگی در انسان این است که آدمی نیز مانند خدا قدرت بر آفرینش دارد که تحت عنوان «خلافت» نام نهاده می‌شود. بر این اساس خلافت به معنای فلسفی آن، نقطه مشترک بین خدا و انسان است. پس «خلافت انسان» کلید راز پنهان وجود «خلافت» در وی برشمرده می‌شود. و اگر موضوع خلافت‌اللهی در بین نباشد، وجود خلافت در انسان توجیه فلسفی نخواهد داشت (شرفی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲). حاصل کلام آنکه آدمی بالقوه خلیفه خداست، که: انی جاعل فی الارض خلیفة (بقره/۳۰) قابل تعلیم اسماء، که: (وعلم آدم الاسماء... (بقره/۳۱) و مسجود فرشتگان: فاذا سویته و نفخت فیہ من روحی فقعو له ساجدین (حجر/۲۹) (شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۷۰).

۴. عقل و عقلانیت

از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان، بهره‌مندی از قوه تعقل و اندیشیدن است، طوری که می‌توان در این باره گفت: آنچه این موجود را انسان ساخته و او را از بقیه مخلوقات الهی ممتاز کرده است، عقل اوست. بهره‌مندی آدمی از این قوه موجب بروز تمام صفات نیک و پسندیده می‌شود، در مقابل عدم کاربرد این قوه موجب هلاکت و نابودی انسان و حیاتش است. "در ارزش و اهمیت عقل روایات متعددی آمده است. چنان‌که رسول خدا(ص) ماهیت اصلی انسان را عقل معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «اصله عقله» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۸۱) و باز در این باره آمده است: «الانسان بعقله» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۹) همچنین در روایتی عقل به عنوان برترین نعمتی که خداوند عطا فرموده است معرفی می‌شود: «ما قسم الله للعباد شیئاً افضل من العقل» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۳، به نقل از محمدی، ۱۳۹۵، شماره ۱).

ملاصدرا در کتاب شرح اصول کافی در اهمیت جایگاه عقل ذیل روایت «العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۳، ۱۷) به معانی عقل اشاره کرده است و در نخستین معنای عقل می‌گوید: «قوة عاقله همان است که وجه تمایز انسان از حیوان است» از آنجایی که ایشان قائل به درجات و مراتب مختلف وجودی است معتقد است که در دارا بودن این قوه همه انسان‌ها اشتراک دارند لیکن اختلاف در شدت و ضعف مرتبه آن است (شیرازی، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۱۵۹).

ملاصدرا عقل را خیر محض می‌داند چنان که می‌گوید: «عقل خیر محض است چرا که مفارق محض است. لذا از هرگونه نقص و آفت دور است. پس هرچه از او صادر شود به گونه‌ای خیر است، گویی که خیر واسطه بین عقل و آنچه از او صادر می‌شود است. در مقابل «جهل» که ضد عقل است و هرچه از این جوهر شریر از افعال و آثار صادر می‌شود از نوع گناهان و زشتی‌هاست» (همان، ص ۳۹۹).

از این رو عقل و عقلانیت در اسلام با آنچه در مکاتب الحادی به عنوان عقل تعریف شده است تفاوت‌های بنیادینی دارد. عقل در ادبیات دینی نخستین مخلوق خداوند بوده و مظهر صفات ملکوتی است و عبادت پروردگار با آن صورت می‌گیرد. در اصطلاح حکمای اسلامی مراد از عقل، عقل کلی است در حالی که عقل در تفکر امروزی مدرن به هیچ وجه چنین ماهیتی نداشته و صرفاً محصولی از تکامل موجودات طبیعی بوده که از آن به عقل ابزاری یا محاسبه‌گر و عقل جزئی تعبیر می‌شود. در واقع عقلانیت اسلامی، حکایتی از دوآلیسم جسم و روح در انسان است.

۵. مختار بودن انسان

با نگاهی به قرآن کریم، در می‌یابیم که از دیدگاه قرآن، انسان موجودی مختار است. اصولاً ارسال پیامبران الهی و نزول کتب آسمانی مبتنی بر اختیار انسان است. این امر یکی از دلایل محکم مبنی بر اختیار داشتن آدمی است. برخی آیات به طور صریح به این مسئله اشاره دارند. از جمله آیات آیه ۲۹ از سوره کهف است: «قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» بگو این حق است از سوی پروردگارتان هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر شود. صاحب تفسیر کشاف در این باره چنین آورده است:

خداوند انسان را مخیر و مأمور کرده است که هرکدام از این دو راه که صلاح باشد برگزیند. بدین معنا که با آشکار شدن حق و از میان رفتن موانع اکنون وقت آن است که

انسان راه نجات خویش را برگزیند و خود را از نابودی نجات دهد و بدین لحاظ آیه با صیغه امر بیان شده است (زمخشری، ج ۳، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

همچنین آیاتی که دال بر «وعد»، «وعید»، «بشارت» و «انذار» است همگی تأیید کننده اختیار انسان هستند. از جمله این آیات «كان الناس امة واحدة، فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين» (بقره ۲۱۳) این گونه وعده و وعیدها، تنها در صورتی کاربرد دارند که در مورد موجودی مختار اعمال شود. دسته دیگر از آیات دال بر اختیار انسان در ارتباط با عهد و میثاق خدا با انسان است که قرآن در این باره آورده است: «الم اعهد اليكم يا بنى آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه لكم عدو مبين و ان اعبدوني هذا صراط مستقيم» (یس / ۶۱-۶۰) بدین معنا اگر انسان مجبور بود و از خود اختیاری نداشت عهد خدا با وی معنا نداشت (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۴) علاوه بر آیات قرآن دلیل های نقلی که شامل روایات معصومان می شود در این باره زیاد است که ما به ذکر آیات بسنده کردیم.

۶. مسئول بودن انسان

انسان، به حکم اینکه از نور عقل و موهبت اختیار برخوردار است، موجودی مسئول است. در انسان شناسی اسلامی، هر فردی، تکالیفی بر دوش خود دارد و به تعبیر دیگر مسئول رفتارهای خود است (کل نفس بما کسبت رهینه). از آن جا که انسان، در ارتباط با سطوح مختلف از جمله در برابر خدا، در برابر گوهر انسانی خویش، در برابر انسان های دیگر و در برابر جهان مسئول است، نوع مسئولیتش نیز متفاوت است. خداوند، انسان را مسئول سرنوشت خود می داند و در این باره می فرماید: «و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و لوفاد کل اولئک کان عنه مسؤولاً» هرگز از چیزی که نسبت به آن علم نداری، پیروی مکن، که گوش و قلب و چشم، همگی مورد بازخواست هستند. در تفسیر مجمع البیان در این باره آمده است، آیه عمومیت دارد هر گونه گفتار، کردار، نوشتار و حرکتی که بر اساس دانش و آگاهی نباشد قابل پذیرش نیست و مقصود آن است که تنها آنچه را که می دانی درست است بگو و تنها از آنچه می دانی حقیقت است پیروی کن و نسبت به آنچه که به درستی آن ایمان و یقین نداری نگو و انجام نده و پیروی نکن (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۱۲۷) و (شیخ طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۷۷) قرآن کریم در این باره در آیه دیگری می فرماید: «و لتسئلنَّ عما کنتم تعملون» (بحر/ ۹۳) مسلماً در برابر آنچه می کنید، مسئول هستید و مورد سؤال قرار می گیرید. آنچه کار را، تعیین می بخشد و به انجام می رساند،

اراده انسان است. از این رو، هر اندازه که انسان اراده و اختیار دارد، به همان میزان نیز مسئول است. به عبارت دیگر، تکلیف و مسئولیت هر انسان به قدر وسع اوست و هر کس مسئول خود و اعمال خود است و باید خود را آماده سازد (همان، ص ۱۹۹). برای به کمال رساندن انسان، خداوند مجموعه‌ای از تکالیف و وظایفی را برعهده او گذاشته است، تا با انجام آن‌ها، به سعادت برسد و مشخص است که در قبال این تکالیف، مسئولیت دارد و روز محشر مورد سؤال قرار خواهد گرفت، چنان که می‌فرماید: «ثم لتسألنَّ یومئذٍ عن النعیم» (التکواثر/۸). صاحب تفسیر تبیان در ارتباط با این آیه شریفه معتقد است که مورد سؤال واقع شده‌ها همان مکلف‌ها می‌باشند و لازمه تکلیف آن است که آدمی مختار باشد. وی، نعیم را شامل خوردنی‌ها، نوشیدنی و غیر از آنها، هر آنچه باعث آرامش و لذت انسان می‌شود می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۳). بنابر این، اگر انسان، در برابر نعمت‌هایی که خداوند برای هدایتش به او ارزانی داشته است، احساس مسئولیت نکند، هرگز، به مقام والای انسانیت و هدف اصلی خود، یعنی سعادت نمی‌رسد.

سه اصل جاری در سبک زندگی خانوادگی اسلامی

پس از بیان مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی اسلامی اینک به سه اصل بنیادین که نشأت گرفته از همان مبانی است در سبک زندگی اسلامی می‌پردازیم. در واقع مبانی زیر ساخت‌ها و قواعد اساسی بینشی هستند که خط مشی اصلی و اهداف غایی انسان را مشخص می‌سازند و در شعاع آنها، درون مایه و مقاصد اصلی زندگی بشری تعیین می‌شود. در مقابل این مبانی، مجموعه دیگری تحت عنوان اصول نشأت می‌گیرند. منظور از «اصول» قواعدی است که دارای ماهیتی هنجاری و ناظر به «بایدها» بوده و از این جهت با «مبنا» که خود منشأ اشتقاق «اصل» است متفاوت است. «اصول» در هر وضعیتی از پشتوانه فکری و نظری «مبانی» برخوردار هستند و هیچ گاه از استناد به مبانی بی نیاز نیستند. گو اینکه اصول و مبانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند، هر دسته از «مبانی» «اصول» متناسب با ساختار و مفاد خود را وضع و تداعی می‌کنند و هر گروه از اصول نیز به مبانی ویژه خود باز می‌گردند و از آن مبانی اثر می‌پذیرند (باجلان، ص ۳۰).

این اصول به صورت واشرکال ظاهری زندگی انسانی ارتباط پیدا می‌کنند. در واقع میان مبانی و اصول ارتباط و پیوند محکمی موجود است. اصول حاکم بر سبک زندگی اسلامی نیز با تکیه بر مبانی خود پشتوانه فکری و اجرایی روش‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی قرار می‌گیرند. از این

اصول رفتارهای خاصی ایجاد می‌شود و بدین صورت سبک زندگی اسلامی با مختصاتی ویژه شکل می‌گیرد. در واقع انسجام و هماهنگی میان مبانی و اصول لازمه قوام و پایداری سبک و شیوه زندگی اسلامی خواهد شد. در این باره به تبیین اصولی چون "عبودیت" و "حق مداری" و "بزرگداشت مقام انسانی" که در سبک زندگی اسلامی جاری است می‌پردازیم.

۱. عبودیت

از مهم‌ترین اصول برخاسته از مبنای خلیفه الهی انسان و مسئولیت او که از مبانی بینشی انسان‌شناختی اسلامی شمرده می‌شود، اصل «عبودیت» است. عبودیت به معنای نهایت تسلیم، بندگی و تذلل در مقابل معبود است. مطابق با آیه شریفه ۳۰ از سوره بقره که می‌فرماید: «وَأَذْ قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلَائِكَةِ أَنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» آنگاه که پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی قرار داده‌ام... خداوند، انسان را به منصب و جانشینی خود برگزید. مطابق با دلایل عقل و نقلی «کون جامع» که همان انسان کامل است مظهر و تجلی تمام نمای پروردگار عالم هستی است. مقام خلیفه الهی آنگاه در عالم هستی به منصه ظهور می‌رسد که آدمی در مسیر عبودیت و بندگی خداوند قرار بگیرد، با تحقق چنین منصب و مقامی هدف خلقت و آفرینش عالم هستی نیز محقق می‌شود. چنانچه در آیه ۵۶ از سوره زاریات چنین می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (و نیافریدم جن و انسان را مگر برای عبادت).

عبودیت در واقع حرکت و مسیری دو سویه است از یک جهت انسان در قلمرو بندگی و طاعت خدای یگانه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر از بندگی و بردگی تمام معبودهای دروغین آزاد و رها می‌شود. چنین مقامی شایسته و زیننده خلیفه الله است یعنی آزادی و رهایی از هر قید و بند غیرالهی، چراکه ذات انسان آزاد خلق شده است و به قول امام علی (ع) که فرمودند: «ولا تكن عبد غيرك وقد جعلك الله حراً» (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۳۶۳) رمز آزادی و آزادگی انسان در پرستش و اطاعت معبودی است که شایسته پرستش است. بدین معنا که عالم هستی و کل موجودات از جمله انسان در مسیر بندگی و اطاعت نسبت به خداوند هستند. این مصداق کامل آیه "انا لله وانا اليه راجعون" (بقره ۱۵۶) است. سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی خداوند و به عبارت دیگر «قرب إلى الله» از طریق اصل «عبودیت» صورت می‌پذیرد. عبودیت و بندگی نسبت به خداوند سیری تدریجی از سنخ صبرورت و شدن می‌باشد (سیدمحمدباقر صدر، ۱۳۸۱، ص ۹۹).

لازمهٔ خلیفهٔ الهی آن است که انسان در تمام جنبه‌های زندگی خویش از مسیر طاعت و بندگی خداوند خارج نشود و بدین گونه مقام «عبودیت» در زندگی به مرحلهٔ ظهور می‌رسد. عبودیت مهم‌ترین معیار و ملاک در تعیین رفتار درست از نادرست، الهی از غیرالهی در سبک زندگی اسلامی است. هر رفتاری که به تعبیر قرآن کریم «رنگ و بوی الهی» داشته باشد در طریق عبودیت قرار گرفته و باعث رشد و تعالی روحی انسان می‌شود. «صبغة الله و من احسن من الله صبغة و نحن له عابدون» (بقره/۱۳۸).

از آنجا که خانواده هستهٔ اولیهٔ جامعهٔ انسانی است و مراحل اولیهٔ تربیت و رشد در خانواده آغاز می‌شود، اسلام اهتمام ویژه‌ای به این کانون داشته است و به منظور تحکیم و سلامت خانواده دستورالعمل‌های اخلاقی و تربیتی فراوانی را توصیه می‌کند. تمام این آموزه‌ها در راستای اصل عبودیت قرار گرفته است و هر شیوه و سبکی که در تقابل با این اصل قرار گیرد طرد می‌گردد. آیهٔ شریفهٔ «فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکرفیها اسمه...» (نور/۳۶) به صراحت بیان می‌کند که نور هدایت درخانه‌هایی است که خداوند اجازه داده که گرامی‌داشته شوند. بدین معنا که اهل این خانه‌ها به یاد خداوند هستند و لذا خداوند اراده کرده است که اهل آن خانه را گرامی و عزیز دارد. قطعاً مهم‌ترین ویژگی این اهل، پیشه کردن راه و روش بندگی و اطاعت از دستورات الهی است و هیچ برنامه و امری آنها را از یاد خداوند غافل نمی‌کند. بدین معنا که رعایت حدود و مقررات الهی و تجاوز نکردن از موازین الهی مهم‌ترین شرط تحقق چنین سبک و شیوه‌ای از زندگی است. قرآن کریم مهم‌ترین شرط برخورداری از چنین سبک زندگی مومنانه را رعایت حریم و حدود الهی می‌داند (بقره/۲۲۹). از این رو هرگونه رفتار و شیوه‌ای که سبب انحراف و زاویه گرفتن از خدا گردد با سبک زندگی خانوادگی اسلامی منافات دارد. در عصر حاضر مصادیق زیادی از شیوه‌های زندگی در خانواده را می‌توان برشمرد که انسان را از یاد خدا غافل کرده و از مسیر عبودیت حق به انحراف کشیده شده است و چه بسا با آن تقابل دارد. سبک زندگی غربی به‌عنوان شیوه و طریق زندگی انسان عصر مدرنیته نمونه و شاهدی بارز از این گونه سبک‌ها شمرده می‌شود. متأسفانه در جامعهٔ مسلمان ما امروز برخی از خانواده‌ها تحت تأثیر مستقیم این گونه سبک زندگی واقع شده‌اند. ما در این ارتباط به برخی از شیوه‌های جدید در سبک زندگی امروزی اشاره می‌کنیم که نمونه و مصادیقی بارز برای خروج از اصل عبودیت الهی قلمداد می‌شوند، عبارت‌اند از: ۱. ویژگی فردگرایی (آربلاستر، ۱۳۶۷، ص ۲۵؛ کوزر و

روزنبرگ، ۱۳۷۸، ص ۴۸۳؛ ۲. از بین رفتن تفاوت‌های جنسیتی (نولان-لنسکی، ۱۳۸۰، ص ۴۶۵؛ ۳. هم جنس گرایی (تافلر، ۱۳۹۵، ص ۲۵۸؛ ۴. از بین رفتن تعهدات اخلاقی (گاردنر، ۱۳۹۶، ص ۴۰؛ ۵. سودانگاری (اریک فروم، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴ و احمدی، ۱۳۷۳، ص ۴۴) - نسبی گرایی (گاردنر، ۱۳۹۶، ص ۲۴۱) را در خانواده نام ببریم.

۲. حق محوری

فصل حقیقی انسان با غیر انسان در عقلانیت تعریف شده است. در اسلام عقل دارای جایگاه رفیعی است. بنابر دلایل عقلی و نقلی عقل جوهری نورانی است که حقایق اشیا در آن متجلی می‌شود و محل معرفت الهی و مظهر صفات و ملکوت خداست. بر همین اساس و به دلیل دارا بودن موهبت عقل، انسان موجودی مسئول بوده و مبنای مسئولیت به عنوان یکی از مبانی بینشی انسان شناختی اسلامی مطرح می‌شود. اگر انسان موجودی مسئول است و رها نشده و هر رفتار و کنش او مورد سؤال قرار می‌گیرد و در هر موقعیتی تکلیف و وظیفه‌ای دارد، بنابر این باید رفتارهای او در هر وضعیتی مبتنی بر حق باشد برای هر عمل خود حجتی عقلی شرعی داشته باشد تا بتواند پاسخگوی عمل خود باشد. از این رو مهم‌ترین اصلی که در زندگی انسان به عنوان بنیاد و اساس رفتارها مطرح می‌شود، اصل «حق محوری» است. «حق محوری» به عنوان یکی از ارزش‌های انسانی زاینده عقل نظری و جهان‌بینی توحیدی است. به عبارتی، هستی دارای نظم و انسجام خاصی است که عقل نظری آن را در می‌یابد و عقل عملی آن را به عنوان ارزش‌های انسانی مطرح می‌سازد.

رسالت عقل مطابق با بینش انسان‌شناختی اسلامی، شناخت حق و ایجاد زمینه برای تحقق تدریجی آن در تمام ابعاد زندگی اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی و غیره است. این چنین عقلی برخلاف عقل سودانگاری که ملاک و معیار اصلی را در زندگی «خود محوری» قرار می‌دهد، مدار و محور اصلی تمام تلاش‌ها و رفتارهای انسان در زندگی را «حق» قرار می‌دهد. از این رو با دو وجه از عقلانیت که به عقل نظری و عقل عملی تعریف شده روبه‌رو هستیم، درک هستی‌ها و نیستی‌ها در حوزه عقل نظری بوده و درک بایدها و نبایدها که در حوزه توانایی انسان است در حوزه عقل عملی قرار می‌گیرد. خواجه نصیرالدین طوسی در ارتباط با دو وجه عقل چنین آورده است: «عقل نظری توجه به مافوق دارد و عقل عملی توجه به، مادون دارد» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۳۴).

بر اساس اصل حق محوری الگوی انسان در رفتار و عمل، همان نظم و انسجامی است که در جهان هستی حاکم است. چنانچه خواجه در اخلاق ناصری کمال عقل نظری را به ادراک و معرفت عالم هستی به قدر توانایی عقل می‌داند که به دنبال آن شناخت و معرفت نسبت به ذات باری تعالی ایجاد می‌شود. اما کمال عقل عملی را به ایجاد و محقق ساختن نظم بیرون از وجود آدمی در میان قوا و افعال وی می‌شناسد. بدین معنا همان گونه که در عالم هستی حق حاکم است در درون انسان کامل نیز حق حاکم می‌شود و چنین انسانی به منزله عالم صغیر قلمداد می‌شود (همان، ص ۷۱).

بنابر این سبک زندگی اسلامی به دلیل ابتدای آن بر حق، سبکی خاص است که با سبک مدرن که بر سود و لذت مبتنی است کاملاً متمایز می‌گردد. از آنجا که عمیق‌ترین و محرمانه‌ترین نمودهای زندگی در خانواده ظهور پیدا می‌کند. یکی از بهترین محل برای رشد شخصیت انسانی با وجود خواسته‌های مختلف و گاه متعارض، خانواده است. بدین معنا که با محور قرار دادن حق، افراد از خواسته‌ها و تمایلات فردی پا را فراتر می‌نهند و به نظرات و خواسته‌های دیگران توجه می‌کنند و این نخستین گام در مسیر انسان شدن و رشد و تعالی شخصیتی محسوب می‌شود. در زمینه حق محوری امیرمؤمنان علی (ع) به مالک‌اشتر فرمودند: حق را نسبت به هر کس، نزدیک باشد یا دور (خویشاوند و بیگانه) رعایت و اجرا کن و در این باره شکبیا باش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار و عاقبت آن را ملاحظه کن که سرانجام آن پسندیده و پایانش فرخنده و مبارک است (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۴۷۹). مقابله با خودخواهی‌ها، کوتاه آمدن از خواسته‌هایی که سبب اذیت و آزار اهل خانه می‌شود، تشریک مساعی و همکاری و کمک به خانواده، بردباری در برابر ناملایمت‌هایی که برای خانواده پیش می‌آید، دفاع از خانواده در برابر زیاده‌خواهی دیگران، تقسیم شادی و منافع خود با اهل خانه، پرداختن به امور خانواده و رفع مشکلات آن، همگی آدمی را از خودخواهی و مبنا قرار گرفتن لذت و نفع فردی دور می‌سازد و زمینه‌های گرایش به حق را در او ایجاد می‌کند. در خانواده اسلامی روابط و مناسبات، کاملاً مبتنی بر حقوق و حدود است. همه اعضا دارای حقوق و تکالیفی هستند که سلامت و صلابت و سعادت خانواده در گرو شناخت این حقوق و رعایت و پاسداشت آنهاست. قرآن کریم این معنا را در جامعه آن روز عرب برای نخستین بار مطرح کرد. چنان که فرمود: «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (بقره/۲۲۸). همچنین در رعایت حق همنشین امام سجاد (ع) می‌فرماید: حق کسی که با تو همنشینی و معاشرت دارد آن است که او را نفریبی و به او خیانت

نکنی و سخنش را انکار نکرده اغفالش نکنی و مانند دشمنان با او برخورد نکنی. اگر به تو اعتماد کرد، او را بر خود مقدم دار (همان، ص ۵۳۵) و بدین گونه است که آثار و نتایج پربار سبک و شیوه زندگی اسلامی بیار می‌نشیند.

۳. بزرگداشت مقام انسانی

باتوجه به بعد ملکوتی و خلیفه‌اللهی انسان و کرامت ذاتی‌اش، بزرگداشت مقام انسانی در اسلام به عنوان اصلی استوار شناخته شده است که لازم است شیوه رفتار مسلمانان نسبت به خود و دیگران بر اساس آن تنظیم گردد. مطابق با این اصل هر گونه رفتار و گفتاری که سبب اهانت و حقارت به خود و دیگری شود، مطرود و مورد نهی اسلام است.

گرامی داشت مقام انسانی از اصول مهم رفتاری در سبک زندگی اسلامی بوده و روابط مسلمانان مطابق آن تنظیم می‌شود. بر این اساس روابط اهل خانه همگی مبتنی بر حفظ شخصیت یکدیگر بوده و احترام به یکدیگر به عنوان اساس روابط خانواده پذیرفته شده است. رعایت این اصل در فضای خانواده سبب استواری، تحکیم هرچه بیشتر روابط بین اعضای خانواده می‌شود. در این ارتباط توصیه‌های ارزش‌مندی در متون اسلامی آمده است. احترام و تکریم همسران نسبت به یکدیگر از مصادیق بارز این اصل است. بدین معنا که هر یک از دو طرف ملزم به رعایت این اصل نسبت به دیگری است و بدین صورت والدین در جایگاه مطلوبی از الگوی رفتاری نسبت به فرزندان خود قرار می‌گیرند. از آنجایی که رسول گرامی اسلام اسوه حسنه و الگوی تمام عیار برای مسلمانان هستند. در زمینه تکریم فرزندان نیز رفتار پیامبر(ص) نمونه‌ای شایسته برای پیروی و تبعیت است. از عایشه منقول است که وقتی فاطمه(ع) بر پیامبر(ص) وارد می‌شد، آن حضرت برای وی به پا می‌خاست و دست خویش را می‌گرفت و او را می‌بوسید و در جایگاه خود می‌نشاند(ابوداود، ج ۲، ص ۵۲۲). ایشان تأکید بسیار می‌کردند که با فرزندان به احترام رفتار شود به ویژه کودکان از رحمت و کرامت وافر بهره‌مند گردند و می‌فرمودند: "اكرموا اولادکم" فرزندان خود را گرامی بدارید(ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۱۱؛ به نقل از دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴). می‌توان از گونه دیگری از مصادیق این اصل را که شایسته است در سبک زندگی اسلامی جاری شود، در چگونگی مخاطب قرار دادن دیگران ذکر کرد. در آیات و روایات توصیه شده است که در صدا کردن افراد آنان را با اسامی و القاب زیبا و نیکو یاد کنید. از این رو از رسول گرامی اسلام نقل شده است که: "وتدعوه باحِب اسم" او را به نیکوترین نام

صدا بزیند (پاینده، نهج‌الفصاحه، ح ۱۳۸۷، به نقل از باجلان، ۱۳۹۵، ص ۲۵۲). از این گونه موارد نیز می‌توان رعایت ادب و زیبایی رفتار در مواجهه با دیگران را برشمرد. ادب نیکوترین هدیه است. بارزترین نوع ادب احترام و تکریم به دیگران، به ویژه به اعضای خانواده است. حضرت علی (ع) در اهمیت ادب می‌فرماید: «ادب نیکوترین یاری دهنده و برترین همراه است» (تمیمی آمدی، ج ۳، ح ۴۸۱۵، ص ۳۸۴) همچنین ایشان فرمودند: «ادب نیکو سبب تزکیه و پاک‌سازی اخلاق است» (همان، ج ۴، ح ۵۵۲۰، ص ۱۲۱). نقش ادب در روابط میان انسان‌ها همانند نقش محافظ است که بسیاری از آفت‌ها را می‌زداید و آدمی را از آسیب‌ها مصون می‌دارد (پناهی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴). بدین ترتیب، با اجرا و پیاده شدن چنین اصلی در خانواده زمینه و بستر مناسبی برای رشد و تعالی روحی، عاطفی و در نهایت سلامت جسمی تمام اعضای خانواده فراهم می‌شود.

ویژگی‌های رفتاری در سبک زندگی خانوادگی اسلامی

اختلاف در سبک‌های زندگی آدمیان امری انکارناپذیر است. سبک زندگی غربی به عنوان مصداق بارزی از تفکر اومانیستی، با سبک زندگی اسلامی، به عنوان ظهور بارز اندیشه توحیدی در بسیاری موارد متفاوت بلکه متضاد است. بدون شک مهم‌ترین عامل مؤثر در این اختلاف ناشی از تفاوت نگرش نسبت به انسان و ماهیت او ایجاد می‌شود. از این رو بعد از بیان مبانی انسان‌شناختی اسلامی و اصول جاری در سبک زندگی خانوادگی اسلامی اینک به بیان برخی آثار و نتایج این گونه اندیشه‌های الهی در سبک زندگی خانوادگی اسلامی می‌پردازیم.

۱. گرایش به معنویات

مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل در ایجاد آرامش و امنیت خانواده، توجه به معنویت و دینداری است. اعتقاد به این اندیشه که انسان موجودی جسمانی - روحانی است، باور به اینکه در انسان گوهر با ارزشی وجود دارد که با هیچ شیء با ارزشی مقایسه‌پذیر نیست، انسان را متوجه ارزش و بهای خویش می‌کند. دین انسان‌ساز اسلام به هر دو بعد وجودی انسان توجه کامل مبذول داشته است. از آنجا که حقیقت انسان بعد روحی او را تشکیل می‌دهد بعدی که مهم‌ترین ویژگی‌اش جاودانگی و بقاست، پرورش و رشد و تعالی این بخش وجودی انسان در اسلام بسیار حائز اهمیت است به گونه‌ای که توجه به بعد جسمانی و مراقبت از آن در جهت وسیله و ابزار بودن این بعد برای تکامل و تعالی روحی است. بنابر این همان‌گونه که رعایت بهداشت تن و جسم و

حفظ آن ضروری است. سلامت و حفظ روح از هرگونه آفت از واجب‌ترین وظایف خانواده در سبک زندگی اسلامی شمرده می‌شود. بنابر این بر والدین ضروری است علاوه بر مراقبت و توجه نسبت به سلامت و پرورش بعد جسمانی فرزندان به حفاظت و پرورش بعد روحانی آنها توجه کافی مبذول دارند. یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها برای چنین هدفی تقویت و تحکیم گرایش‌های معنوی و الهی در محیط خانواده می‌باشد.

انجام واجبات به همراه آگاهی و معرفت، ترک محرّمات و دوری از پلیدی‌ها و خبائث افزون بر سلامت جسمانی موجب حفظ و سلامت روحی آنان می‌شود. شایان تذکر است که والدین به عنوان الگوهای رفتاری برای فرزندان نخستین عاملان به خوبی‌ها و ارزش‌ها و ناهیان از بدی‌ها و ضدارزش‌هاست (رجبی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۶۷) قرآن و روایات برخی امور را در خانواده موجب ایجاد رغبت و گرایش فرزندان به معنویات و در نتیجه سلامت روحی در آنها می‌داند از جمله تشویق آن‌ها به خواندن قرآن به همراه تدبیر، ذکر و یاد خدا، اندیشه‌ورزی، معاشرت با صاحبان فضیلت و خرد، گفت و گوی علمی، دیدار با نیکوکاران، تقوا، مهرورزی را می‌توان نام برد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵). نیز در این زمینه از امیر مؤمنان امام علی (ع) است که فرمودند: در کودکی دانش بیاموزید تا در بزرگی به آن شرف یابید (همان، ص ۷۵). یکی دیگر از مصادیق بارز گرایش به معنویات در خانواده، اشتیاق اعضای خانواده به انجام دادن «عبادات» از جمله «نماز» است. این‌گونه عمل عبادی که با معرفت و آگاهی صورت پذیرد یاد خدا، نورانیت و معنویت را در دل افراد خانواده تقویت می‌کند و باعث آرامش و اطمینان قلوب آنها می‌شود. همچنین باعث دوری و پرهیز آنان از بدی‌ها و پلیدی‌ها می‌شود.

۲. خویشتن بانی

یکی از مهم‌ترین آثار ایمان به خدا "خویشتن بانی" است. آگاهی انسان به این که موجودی است گران بها که در او روح الهی دمیده شده است، او را وامی‌دارد که از خود محافظت کند. از این‌رو از هر آن چه موجب ضرر و فساد به گوهر وجودیش می‌شود دوری می‌کند. در واقع "خویشتن بانی همان ویژگی "تقوا" است. چنان چه در فرهنگ لغت فارسی به معنای پرهیزکاری آمده است (فرهنگ عمید، ذیل مدخل "خویشتن بانی"). از آن جایی که انسان موجودی با خواسته‌های متعارض و گوناگون است، طی مراحل زندگی به زشت و زیبا گرایش دارد. لیکن انسان با ایمان توانایی و گرایشی دارد که دیگر گرایش‌ها را جهت می‌دهد و هدایت می‌کند. فرد

باورمند به خدا از خویشتن خویش نگهبانی می کند و ضمن مقابله با گرایش ها و انگیزه های نازیبا و ناپسند، تمایلات شخصی را به سوی کمال مطلوب رهنمون می سازد. "در جدال و مبارزه درونی، آنچه انسان را موجودی با ارزش می سازد، داشتن غرایز فعال و قوای نفسانی و تمایلات و در عین حال تسلیم نشدن و مهار کردن آنها و قرار دادن آن تمایلات در مسیر تعالی و رشد می باشد" (رجبی نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۸۸). خویشتن بانی یا در اصطلاح قرآنی "تقوا" تأثیرات مادی و معنوی فراوانی در زندگی داراست. از جمله این آثار ۱. توانایی تشخیص حق از باطل (درست از نادرست) است. به عبارتی انسان به سلاح روشن بینی مسلح می شود و عقل آدمی در پرتو آرامش حاصل از سلامت روحی و روانی می تواند در هر یک از ساحت های فکری و عملی متناسب با آنچه سعادت او را تضمین می کند گزینش کند و بدون اضطراب و ترس دست به انتخاب بزند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال/ ۲۹) ۲. دومین اثر خویشتن بانی، پیروزی بر سختی هاست. بدین معنا که فرد با برخورداری از چنین ویژگی به راحتی می تواند بر امور مختلف چیره شود و احساس توانمندی در رویارویی با مشکلات را داشته باشد. چنانکه خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق/ ۴) کسی که تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد. از این رو خداوند می فرماید: «وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (نمل/ ۵۳).

بدین ترتیب خویشتن بانی که از آثار و نتایج ایمان به خداست باعث می شود که خانواده از مهم ترین عامل موفقیت و پایداری در برخورد با نوسانات زندگی برخوردار شود. بدین معنا که آنها به کامل ترین مهارت ها و توانایی ها مجهز می شوند از این رو در مواجهه با موانع و مشکلات هیچگاه احساس ضعف و ناتوانی نمی کنند و همین ویژگی موجب توفیق و پیروزی آنها در زندگی می شود. چنانکه قرآن می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق/ ۲) (همان، ص ۲۹).

۳. هدف مند شدن زندگی

مطابق با این باور که ما انسان ها همگی مبدا و مقصد واحدی داریم زندگی هدف مند می شود. یکی از مهم ترین ویژگی زندگی معنادار این است که هدف و مقصد واقعی در آن معلوم باشد. بدین معنا که انسان مصداق واقعی مطلوب خویش را بیابد. انسان در هر لحظه در حال سیر به سوی خداست. مطابق با آیه شریفه: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/ ۱۵۶) ما ملک خداییم و رو

به سوی او در حال حرکت هستیم. مؤلف قاموس قرآن در این باره می‌نویسد: «لازم است آیه را به‌زمان حال معنا کرد نه استقبال، یعنی الآن به سوی خدا برگردانده می‌شویم، زیرا هر آن در حال بازگشت به سوی خداییم و تنها مرگ بازگشتن به سوی خدا نیست» (قرشی، ۱۳۰۷، ج ۳، ص ۵۶). پس مطابق با نگرش توحیدی مبدا و مقصد ما انسان‌ها خداست. انتخاب و گزینش هر مقصد دیگر بزرگ‌ترین انحراف را در زندگی ایجاد می‌کند و موجب می‌شود که تمام تلاش‌های انسان در زندگی بیهوده و باطل شود. بدین معنا خانوادهٔ مسلمان از زندگی معناداری برخوردار است چرا که از حقیقی‌ترین مقصد و مطلوب برخوردار است. هدف مندی در زندگی، آثار و نتایج مثبت فراوانی دارد. چنین ویژگی در خانواده موجب می‌شود که والدین تمام برنامه‌های زندگی خانواده را براساس هدف مزبور طرح ریزی کنند. کوچک‌ترین مسئله تا مهم‌ترین امور خانوادگی متأثر از این هدف است. در واقع هدف مندی در خانوادهٔ اسلامی موجب می‌شود که اعضای خانواده به راحتی و با اطمینان کافی به انواع انتخاب‌های خود در دوران زندگی شکل و جهت بدهند. از این رو نسبت به تصمیمات خود دارای اطمینان و اعتماد درونی هستند و کمتر دچار شک و تردید می‌شوند. برعکس خانواده‌ای را در نظر بگیریم که دارای هدف واقعی نیست به این معنا که او باور دارد ما انسان‌ها ناگهانی و به‌طور تصادفی به این دنیا آمدم و در آخر نیز نابود می‌شویم ما موجودی جسمانی هستیم و جز نیازهای جسمی نیازی دیگر نداریم. چنین باوری به بی‌هدفی و بی‌معنایی در زندگی منجر می‌شود. به این معنا که با وجود اهداف گوناگون در زندگی هیچ کدام از آنها نمی‌توانند روح بی‌نهایت طلب آدمی را سیراب سازند، در واقع در چنین زندگی هدف واقعی محقق نشده است. از این رو آدمی با بی‌معنایی در زندگی روبه‌رو می‌شود. دست نیافتن به معنای واقعی زندگی، خانواده را به انواع مشکلات اعم از جسمی و روحی مبتلا می‌سازد. انسان‌های بی‌هدف در بیراهه‌های زندگی گم می‌شوند و هیچ‌گاه به مقصد واقعی نمی‌رسند. افرادی که در زندگی دارای هدف و برنامه هستند، هر روز با انگیزه‌ای متعالی، روز خود را آغاز می‌کنند و برای رسیدن به اهدافشان می‌کوشند. هدف همچون تابلوی راهنمایی است که مسیر حرکت انسان را در زندگی ترسیم می‌کند (اسلام و زیبایی‌های زندگی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۶). در عصر حاضر با وجود پیشرفت‌های علمی و کاهش مشکلات زندگی، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها رو به فزونی است. بخشی از این مشکلات بر اثر احساس بی‌هدفی و پوچی در زندگی است. در چنین وضعیتی خانواده به سبب بی‌توجهی به اهداف متعالی به کارکردهای محدود زندگی بسنده می‌کند و با کوچک‌ترین نوسان و کاستی افراد خانواده دچار

بحران می‌شوند. از این رو در خانواده‌های معتقد، با وجود مشکلات شدید مانند معلولیت‌ها، بداخلاقی‌ها، مشکلات اقتصادی، اعضای خانواده سال‌های طولانی از یکدیگر حمایت عاطفی می‌کنند و احساسی رضایت-بخش از زندگی دارند (پناهی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۸).

۴. تلاش برای معیشت سالم

مطابق با آموزه‌های الهی، انسان معجونی از جسم و روح است. برای آن که حرکت و تکامل روحی انسان به‌خوبی انجام شود، توجه به نیازهای جسمانی همچنین حفظ و پرورش قوای بدنی ضروری است. برای تحقق این امر بایستی انسان از نوعی زندگی سالم و متعادل برخوردار باشد. بنابر اندیشه قرآنی، از آن جایی که زندگی در دنیا مقدمه و مهم‌ترین وسیله برای بهره‌مند شدن از حیات طیبه آخرت است، توجه به کیفیت زندگی دنیوی بسیار اهمیت دارد. در روایات معصومین (ع) به این امر توصیه‌های فراوانی شده است. از جمله این که هر کسی دنیا را به‌خاطر آخرت ترک کند و همچنین آخرت را به‌خاطر زندگی دنیایی رها سازد هر دو صورت مورد مذمت و نهی قرار گرفته است. از این رو آنچه صحیح است این که به زندگی دنیایی نگاه وسیله‌ای کرد. از آن جایی که میان وسیله و هدف تناسب و سنخیت امری معقول است لذا با توجه به هدف مقدس خانواده مسلمان که رشد و تعالی در جهت قرب الهی است تأمین معیشت و اقتصاد خانواده باید از طریق کسب درآمد حلال و طیب صورت پذیرد. پدر به عنوان مسئول تأمین معیشت خانواده این وظیفه خطیر را برعهده دارد. در نگاه معصومین (ع) تأمین نیازهای مادی در جهت رشد و تعالی خانواده پسندیده و عبادت به‌شمار می‌آید. شاید برخی به‌اشتباه قلمرو عبادات را به عبادات خاصه محدود سازند، حال آن که در آموزه‌های ارزشمند اسلام عبادت قلمروی بسیار وسیع دارد. بدین معنا هر فعل و رفتاری که در جهت تقرب به آستان ربوبی انجام شود عبادت محسوب می‌شود. لذا قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است» (انعام/۱۶۲) و از امام سجاد (ع) در این باره آمده است که: «ان ارضاکم عند الله اسبغکم علی عیاله» (به راستی پسندیده‌ترین شما در درگاه خدا نعمت بخش‌ترین و فراخ‌گیرنده‌ترین شما بر خانواده خویش است) (الکافی، ج ۴، ۱۱ به نقل از دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱). این نگاه به معنای اصالت بخشیدن به زندگی مادی و غفلت به زندگی آخروی نیست، بلکه به معنای بهره‌گیری مطلوب و صحیح از امکانات دنیا در خدمت به آخرت

است. همچنین علاوه بر توجه به مسائل معیشتی در خانواده که نقش مهمی در جنبه‌های دیگر زندگی دارد، توجه به اموری دیگر همچون سلامت و بهداشت جسمانی در سایه تغذیه صحیح، توجه به زیبایی و آراستگی در ظاهر از اموری است که در خانواده بایستی مورد توجه قرار گیرد. البته لازم است ذکر شود که مراد از آراستگی و زیبایی، تجمل‌گرایی و تشریفات افراطی نیست که امروزه متأسفانه گریبان گیر بسیاری از خانواده‌ها شده است. اسلام در تمام جنبه‌های زندگی انسان دارای ملاک و معیار برای عمل صحیح و به‌دور از افراط و تفریط است. که مسلمانان برای برخورداری از زندگی مطلوب و مرضی پروردگار باید به آن عمل کنند.

۵. مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده

یکی از مهم‌ترین مبانی بینشی اسلام که انسان را متصف به منصب «خليفة اللهی» کرده است، برخورداری آدمی از عقل و اراده است. این ویژگی انسان را ملزم می‌کند که متعهد و مسئول باشد. در واقع کانون و محور اصلی مسئول بودن انسان منتسب بودن آدمی به این وصف است. هرچه انسان نسبت به وظایف خویش مسئولیت‌پذیرتر باشد رشد و تعالی روحی بیشتری پیدا می‌کند و به این هدف متعالی که همان ظهور و فعلیت یافتن خليفة اللهی است نزدیک‌تر می‌شود. در واقع مقام خليفة اللهی بزرگ‌ترین نعمت و امتیاز انسان است از این‌رو در مقابل این نعمت و انعام‌کننده آن وظیفه و تکلیف ایجاد می‌شود. بدین معنا که هر یک از افراد آدمی هرگونه تکلیف و مسئولیتی که به عهده دارند در واقع تکلیف و وظیفه بندگی انسان در مقابل خداوند است. چراکه خدا ولی نعمت حقیقی انسان است. چنانچه می‌فرماید: "یا آیها الناس انتم الفقرا الی الله والله هو الغنی الحمید" (فاطر/۳۵). به‌طور کلی می‌توان انواع مسئولیت‌ها و تعهدات آدمی را در چند زمینه تقسیم کرد: ۱. مسئولیت انسان نسبت به خود؛ ۲. نسبت به خداوند؛ ۳. نسبت به انسان‌های دیگر؛ ۴. نسبت به محیط اطراف اعم از گیاهان، حیوانات و غیره. باتوجه به این مقدمه تعهد و مسئولیت هر یک از افراد خانواده نسبت به یکدیگر در زمره این تعهدات است. در خانواده مهم‌ترین عامل تحکیم و استمرار روابط افراد، احساس تعهد و مسئولیت آنها نسبت به یکدیگر است. در واقع مهم‌ترین ویژگی خانواده به عنوان مقدس‌ترین نهاد همین ویژگی است. در غیر این صورت خانواده تحقق پیدا نمی‌کند. در مقابل چنین تفکری فردگرایی است که از مهم‌ترین ویژگی در سبک زندگی غربی به‌شمار می‌آید. در چنین نگرشی همه قوانین خانوادگی براساس اندیشه، نیاز و قابلیت‌های فردی تعیین می‌شوند. در سبک زندگی خانوادگی اسلامی، والدین

نسبت به یکدیگر و فرزندان نسبت به پدر و مادر و بعکس، دارای حقوقی هستند و به تبع آن حقوق، وظیفه و تعهدی به عهده آنهاست که بایستی با دقت و برنامه‌ریزی این وظایف و مسئولیت‌ها به بهترین وجه انجام شود. در چنین سبکی شایسته است که افراد خانواده در قبال هر مسئولیتی که بر عهده دارند وفادار باشند چنانکه خداوند در کتاب مجیدش می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ» (رعد/۱۹ و ۲۰) «تنها خردمندانند که عبرت می‌گیرند. همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی‌شکنند». در واقع وفاکردن به عهد و مسئولیت‌های انسانی وفا کردن به عهد خداوند است زیرا عمل به تعهدات از قوانین الهی است.

مطابق با آموزه‌های اسلامی و آیات قرآن، انسان در مقابل هرگونه نعمتی که به او عطا شده است مورد پرسش قرار می‌گیرد. لذا آیه شریفه می‌فرماید: «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر/۸) «سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد». در خانواده هر یک از همسران نسبت به یکدیگر نعمت محسوب می‌شوند هر یک موجب راحتی و آرامش همچنین رشد و تعالی یکدیگر هستند. بدین ترتیب هر یک بر دیگری حقوقی برعهده دارند و به دنبال آن مسئولیتی ایجاد می‌شود. امام سجاده (ع) در این باره می‌فرمایند: «...خداوند همسرت را سبب آرامش، راحتی و آسایش تو قرار داده است، او را مونس و یاورت نمود و به وسیله او از بسیاری ناملایمات محافظت شدی، پس واجب است که هر یک از شما همسران، خداوند را به دلیل همسر محبوبش شکر گوید و توجه داشته باشد که او نعمتی الهی است و واجب است که با این نعمت خداوندی خوش گفتار باشد (نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱۱، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۰، به نقل از جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۹۰).

در سخنان ارجمند امام سجاده (ع) به دو گونه مسئولیت اشاره شده است: ۱. مسئولیت همسران در مقابل خداوند؛ ۲. مسئولیت هر یک نسبت به دیگری. در خانواده اسلامی در صورت احقاق حقوق و انجام مسئولیت‌های محوله به هر یک از افراد، امور خانواده در جنبه‌های مختلف زندگی اعم از فردی، خانوادگی، مادی، معنوی به خوبی انجام می‌شود. بدین گونه و با انجام یافتن امور زندگی در یک خانه هر یک از افراد احساس امنیت و آرامش می‌کنند و خانواده خویش را به منزله محکم‌ترین پشتوانه محسوب می‌کنند، بنابر این بسیاری از نیازهای انسانی آن‌ها از جمله نیازهای عاطفی تأمین می‌شود و در مجموع در چنین سبکی انسان‌هایی با شخصیت سالم و متعادل پرورش می‌یابند.

نتیجه

صرف نظر از اختلاف دیدگاه‌های مختلف در باره سبک زندگی می‌توان گفت «سبک زندگی» مجموعه‌ای از شیوه‌های رفتاری ثابت یا انتخاب‌های الگومند است که افراد درصددند تا هویت خود را، از طریق آن‌ها ابراز نموده و اهداف خود را در زندگی با اتخاذ شیوه و روشی مورد پذیرش خویش محقق سازند. شیوه و سبک زندگی انسان‌ها پیوندی عمیق و ناگسستنی با نوع دیدگاه و نگرش آن‌ها به عالم هستی و جایگاه انسانی در عالم دارد. از این رو سبک زندگی انسان‌ها و جوامع نمایانگر باورها، دیدگاه‌ها، روحیات و ارزش‌های ایشان است. با توجه به تفاوت و گاهی تعارض دیدگاه‌ها و باورها با انواعی از سبک‌های زندگی روبرو هستیم. سبک زندگی اسلامی به دلیل باورها و ارزش‌های بنیادینش در ارتباط با هستی، انسان و زندگی نوعی خاصی از سبک زندگی را ارائه می‌دهد که تمایزات بنیادینی با دیگر سبک‌ها دارد. در این مقاله ابتدا ما به بیان برخی از مبانی بینشی در انسان‌شناختی اسلامی پرداخته‌ایم که عبارت‌اند از: ۱. انسان موجودی دو بعدی است. هر یک از این دو ساحت وجودی، احکام ویژه خود را دارد؛ ۲. دارای امیال و گرایش‌های فطری است؛ ۳. دارای مقام خلیفه الهی است؛ ۴. از «عقل و عقلانیت» برخوردار است؛ ۵. انسان موجودی مختار است؛ ۶. با توجه به اختیار آدمی پس دارای مسئولیت است. در واقع مبانی زیر ساخت‌ها و قواعد اساسی بینشی هستند که خط مشی اصلی و اهداف غایی انسان را تعیین می‌کنند و در شعاع آنها، درون مایه و مقاصد اصلی زندگی بشری تعیین می‌شود. در مقابل این مبانی، مجموعه دیگری تحت عنوان اصول نشأت می‌گیرند. منظور از «اصول» قواعدی است که دارای ماهیتی هنجاری و ناظر به «بایدها» بوده و از این جهت با «مبنا» که خود منشأ اشتقاق «اصل» است متفاوت‌اند. این اصول به صورت و اشکال ظاهری زندگی انسانی ارتباط پیدا می‌کنند. در واقع میان مبانی و اصول ارتباط و پیوند محکمی موجود است. اصول حاکم بر سبک زندگی اسلامی نیز با تکیه بر مبانی خود پشتوانه فکری و اجرایی روش‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی قرار می‌گیرند. از این اصول رفتارهای خاصی ایجاد می‌شود و بدین صورت سبک زندگی اسلامی با مختصات ویژه شکل می‌گیرد. در واقع انسجام و هماهنگی میان مبانی و اصول لازمه قوام و پایداری سبک و شیوه زندگی اسلامی خواهد شد. در این باره به تبیین اصولی چون «عبودیت»، «حق مداری» و «بزرگداشت مقام انسانی» پرداخته‌ایم که در سبک زندگی خانوادگی جاری‌اند و منشأ بروز رفتارها و روش‌های پسندیده می‌شوند. آن‌گاه در خاتمه نوشتار

برخی از آثار این اندیشه‌ها مانند: گرایش به معنویات - خویشتن‌بانی - هدف مند شدن زندگی - تلاش برای معیشت سالم - مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده را بیان کرده‌ایم.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، بیروت، بی تا، ۱۴۱۸ق.
- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه‌المدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
- ابوداود، سنن ابی داود، دارالحدیث، قاهره، بی تا، ۱۳۹۳.
- اریک فروم، گریز از آزادی، مترجم عزت اله فولادوند، تهران، نشر مروارید، ۱۳۹۳.
- آربلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، مترجم عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۶۷.
- احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه اعتقادی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی یا تاریخ‌تطور‌نشر فارسی، ج اول، تهران، زوار، ۱۳۹۳.
- باجلان، محمدحسین، اصول اخلاقی - تربیتی ارتباط‌گفتاری در قرآن و حدیث، نشر معارف، ۱۳۹۵.
- پناهی، علی احمد، سبک‌زندگی: همسر‌داری از منظر دین، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴.
- تافلر، الوین، شوک آینده، مترجم حشمت اله کامرانی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۹.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، شرح غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- جمعی از نویسندگان، شاخص‌های سبک‌زندگی اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۴.
- جوادی آملی، مفاتیح‌الحیاء، قم، اسرا، ۱۳۹۴.
- جمعی از نویسندگان، دانش خانواده و جمعیت، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، سبک‌زندگی پیامبر اعظم (ص)، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.
- داودپور مرتضی، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.

- کرن روی، دنیل اسکتین، *ارزیابی و درمان سبک زندگی*، مترجمان: فروزان کرمی، محسن یوسفی، حمید علیزاده، ناشر رسش، ۱۳۸۹.
- رجبی نیا، داود، *اسلام و زیبایی های زندگی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲.
- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد، *کشاف عن حقایق التنزیل*، ج ۳، ترجمه مسعود انصاری، تهران، ققنوس، ۱۳۸۹.
- شرفی، محمدرضا، *فلسفه تربیتی اسلام با رویکرد تطبیقی*، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۸۷.
- شرفی، احمدحسین، *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران، آفتاب توسعه، ۱۳۹۲.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، *شرح اصول کافی*، ج ۱، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- _____، *رساله سه اصل*، تصحیح و مقدمه محمد خواجوی، تهران، مولی، ۱۳۷۶.
- _____، *اسرار الایات*، تهران، مولی، ۱۳۸۰.
- عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۲.
- طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان*، ج ۳ و ج ۸، مترجم محمد مفتاح، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۹۰.
- طوسی، نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تهران، شرکت افست، ۱۳۶۰.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ج ۶ و ج ۱، تحقیق و تصحیح: احمد حبیب العاملی، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، ج ۱۶، مترجم سید محمد باقر همدانی، نشر رجاء، ۱۳۶۳.
- فراهیدی، ابو عبدالرحمن الخلیل بن احمد، *العین*، ج ۲، تحقیق مهدی المخزومی، ابراهیم السامرای، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.
- فاضلی، محمد، *مصرف و سبک زندگی*، قم، صبح صادق، ۱۳۸۳.
- قریشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق سید طیب الجزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کوزر، لویس و برنارد روزنبرگ، *نظریه های بنیادی جامعه شناسی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.

کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، مترجم معصومه محمدی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۶.

گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
لنسکی، نولان، درآمدهای جامعه‌شناسی زندگی روزمره، مترجم عباس مخبر، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۰.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
محمدی، روح اله، فقهی‌زاده عبد الهادی، "مبانی انسان‌شناختی روش تربیتی قرآن و حدیث در بُعد اجتماعی"، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، بهار و تابستان، دوره دوم، شماره ۱، ۱۳۹۵.

مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، ج ۳-۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.

